

مروری بر برخی دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جان کالون^۱

رضا کاظمی^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، رشته ادیان، تهران، ایران.
بهراد سالکی
استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

چکیده

نظام‌مند کردن الاهیات پروتستان یکی از ویژگی‌های برجسته جان کالون است. او در تبیین دیدگاه‌های الاهیاتی خود، از حکمت رواقیون، آموزه‌های انسان‌گرایان و مکتب نوآگوستینی بهره برد و توجه ویژه‌ای به آثار آگوستین نمود. در واقع او اندیشه‌هایش را بر نظریات آگوستین بنیان نهاد. تأکید جدی بر تقدم خداوند و تقدیر ازلی در فرآیند نجات انسان، تأکید بر اصل «تنها کتاب مقدس»، نفی سلسله مراتب کلیسایی، تأکید بر اهمیت ایمان به جای تأکید بر عمل نیک، و اعتقاد به برپایی حکومت الاهی، برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها و آموزه‌های کالون هستند که در این مقاله کوشش بر آن است که به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

جان کالون، الاهیات پروتستان، تقدیر ازلی، اصلاح‌طلبی، حکومت الاهی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۷

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): mona_bhrm@yahoo.com

۱. روند شکل‌گیری اندیشه‌های کالون

جان کالون یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ اروپاست. دیدگاه‌های او درباره موضوعات گوناگونی چون الاهیات، حکمت، حکومت، اخلاق فردی، سلوک و منش‌کاری برای مدت بیش از چهارصد سال بر زندگانی صدها میلیون نفر تأثیری شگرف بر جای گذاشته است.^۱ کالون در میان دومین نسل مصلحان دینی، به دلیل نظام‌مند کردن الاهیات پروتستان و سازمان دادن به جنبش اصلاح‌طلبانه آن، از ویژگی‌های ممتازی برخوردار است.^۲ او یک نسل پس از لوتر به دنیا آمد و بی‌شک بزرگترین شخصیت جنبش اصلاح دینی پس از اوست.^۳

وی در روز ۱۰ ژانویه ۱۵۰۹ در شهر نوایون^۴ فرانسه زاده شد. نخستین نام او ژان کوون^۵ بود، ولی پس از مدتی تحصیل در دانشگاه، نام خود را به کالون تغییر داد.^۶ او در دانشگاه پاریس به تحصیل موضوعاتی چون الاهیات، حقوق و علوم انسانی پرداخت و در آنجا نگارش به زبان لاتین را فرا گرفت.^۷ در اواخر سال ۱۵۲۸م به توصیه پدرش^۸ در شهر اورلئان^۹ تحصیل در رشته حقوق را آغاز کرد. تصور عمومی بر این است که مطالعات گسترده کالون در زمینه حقوق مدنی، او را با شیوه‌ها و اندیشه‌هایی آشنا ساخت که بعدها در دوره‌ای که به عنوان یک مصلح دینی شناخته می‌شد، از آنها بهره برد.^{۱۰} وی در اورلئان

1. Hart, M., *A Ranking of the Most Influential Persons in History*, New York, Carol, 1989, p.286.

2. Kaufman, Th., "Calvin, John", *Encyclopedia of Christianity*, Ervin Fahlbusch et al (eds), Michigan, W., B. Erdmans, 2005, vol.1, p.322.

3. Smart, N., *The Religious Experience of Mankind*, New York, Charles Scribners' Sons, 1984, vol.2, p.468.

4. Noyon

5. Jean Cauvin

6. Armstrong, B.G., "Calvin, John", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1987, vol.3, p.31.

7. Green, V.H.H., *Renaissance and Reformation, A Survey of European History between 1450 and 1660*, London, Edward Arnold, 1954, p.171.

۸. پدر کالون ژوراسون نام داشت که منشی اسقف شهر نوایون بود.

9. Orlean

۱۰. دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن (اصلاح دینی)*، ترجمه فریدون بدره‌ای و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی،

۱۳۷۳ش، ج ۶، ص ۵۴۳.

زبان یونانی را فرا گرفت و در سال ۱۵۲۹م برای مدتی به بورژ^۱ رفت و در دانشگاه آن شهر شهر به تحصیل حقوق پرداخت و در آنجا بود که از حقوق‌دان بزرگ ایتالیایی آندره آلیکاتی^۲ بهرهٔ بسیاری برد.^۳ به عقیدهٔ بیشتر کالون شناسان، او در صراحت بیان خود تا اندازهٔ انداز زیادی از آلیکاتی تأثیر پذیرفته بود.^۴ کالون هنگام تحصیلات دانشگاهی به جنبش انسان‌گرایی روی آورد و دربارهٔ آن به مطالعه پرداخت. حاصل این مطالعات علاقه‌مندی به اراسموس و تأثیرپذیری از او بود.^۵ وی در حین تحصیل در دانشگاه‌های اورلئان و بورژ با شیوه‌های تفسیر متنِ گیوم بود،^۶ دانشمند برجستهٔ فرانسوی آشنا شد. امروزه شواهدی در دست است که نشان می‌دهد کالون از بود آموخت که برای دسترسی مستقیم به متون اساسی، باید یک واژه‌شناس شایسته بود تا بتوان متن را بر اساس موازین زبان‌شناختی و تاریخی آن تفسیر کرد و بر اوضاع و احوال روزگار خود منطبق ساخت. همین نگرش است که می‌تواند این مطلب را تبیین کند که چرا کالون بعدها به شرح کتاب مقدس، به ویژه در خطابه‌هایش پرداخت و تلاش کرد تا آموزه‌های کتاب مقدس و شرایط مخاطبان خود را به هم نزدیک کند.^۷

کالون پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشتهٔ حقوق، به زادگاهش نوایون بازگشت، اما اقامت وی در آنجا به درازا نکشید، زیرا انجمن کلیسای محلی^۸ کالون را تکفیر تکفیر کرد و او نیز به ناچار زادگاهش را ترک گفت و رهسپار پاریس شد تا در آنجا مطالعاتش را ادامه دهد.

در همین گیرودار بود که تجربهٔ دگرگونی دینی برای او رخ داد. کالون در این باره چنین می‌گوید: «از آنجا که من به خرافه‌پرستی دستگاه پاپی سرسپردگی عمیقی داشتم، خدا برای رهایی سریع من از این باتلاق، ذهن مرا که متناسب با سنم در مورد چنین موضوع‌هایی بسیار صلب و انعطاف‌ناپذیر گشته بود، با یک دگرگونی ناگهانی مطیع خود

-
1. Bourges
 2. Andrea Alicati
 3. Green, V.H.H., p.171.
 4. Cunningham, L., *An Introduction to Catholicism*, Cambridge, Cambridge University Press, 2009, p.63.
 5. Green, V.H.H, p.171.
 6. Guillaume Bude
 7. McGrath, A., *Reformation Thought*, Oxford, Blackwell, 1999, p.96.
 8. Local Cathedral Chapter

نمود و آن را به ذهنی تعلیم‌پذیر مبدل ساخت». وی بلافاصله پس از آن تمام وقت خود را صرف مطالعات الاهیاتی کرد.^۱

کالون در تغییر کیش خود جدی و صادق بود و آن چنان به هدایت باطن خویش به دست خداوند باور یافت، که مصمم‌ترین کس در میان مصلحان دینی پروتستان گردید.^۲ وی در طی اقامت دوباره‌اش در پاریس به شکلی فزاینده هوادار اندیشه‌ای اصلاحی شد که در آن شهر بسیار مورد توجه قرار گرفته بود، اما دانشگاه و مقامات شهر مخالف سرسخت اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه، و به ویژه دیدگاه‌های لوتر بودند، مخالفتی که برای کالون هزینه‌ها و سختی‌های زیادی به همراه داشت.^۳

کالون در سال ۱۵۳۳م در نگارش خطابه‌ای شرکت کرد که دوستش نیکلاس کوپ^۴ که اندکی پیشتر به سرپرستی دانشگاه پاریس گماشته شده بود، در آن دانشگاه ایراد نمود. در این خطابه، دیدگاه لوتر مبنی بر رهایی به واسطه ایمان تأیید شده بود^۵ و تأثیرپذیری از اراسموس نیز در آن به چشم می‌خورد.^۶

وی بار دیگر به ناچار پاریس را ترک گفت و به شهر بازل^۷ سوئیس گریخت که در آن از هر گونه خطری از ناحیه فرانسه در امان بود.^۸ در مدت اقامت در بازل، در دانشگاه آن شهر با نام مستعار به تحصیل حکمت و الاهیات پرداخت^۹ و در دیگر شهرهای سوئیس نیز با تنی چند از اصلاح‌طلبان همچون بولینگر^{۱۰}، کاپیتو^{۱۱} و مارتین بوسر^{۱۲} دیدار کرد و با

1. McGrath, A., p.96.

۲. اشپیل، فوگل جکسن، تمدن مغرب زمین، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر، ج ۱، ص ۶۰۲.

3. Mcgrath, A., p.96.

4. Nicholas Cop

5. Dickens, A.G., *Reformation and Society in Sixteenth-Century Europe*, London, Thames and Hudson, 1966, p.151-152.

6. Green, V.H.H., p.171.

7. Basle

8. Bergin, Th.G. & Speake, J., *Encyclopedia of the Renaissance and Reformation*, New York, Facts on File, 2004, p.84.

9. Hart, M., p.287.

10. Bullinger

11. Capito

12. Martin Bucer

دیدگاه‌های آنها آشنا شد.^۱ کالون در شهر بازل با اندیشه‌های تسوینگلی نیز آشنایی یافت و از آنها تأثیر هم پذیرفت.^۲

۲. برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های کالون

افزون بر سنت‌ها و اعتقاداتی که از آیین کاتولیک به الاهیات کالون راه یافتند، اندیشه‌های وی تا اندازه‌ای مدیون حکمت رواقیون، به‌ویژه سنکا، و تا حدی نیز متأثر از تحصیلاتش در رشته حقوق بود.^۳

کالون در دوران دانشجویی در زمره دانشجویان اصلاح‌طلبی بود که از انسان‌گرایی رنسانس الهام گرفته بودند.^۴ رویکرد وی به دین، در آغاز بیشتر به انسان‌گرایان شباهت داشت،^۵ هر چند که بعدها دلبستگی انسان‌گرایی را نسبت به اعتلای شأن انسان در این جهان نادیده گرفت.^۶ او نیز همچون تسوینگلی، ارادت زیادی به اراسموس داشت.^۷ افزون بر این، کالون کالون نیز همانند لوتر در دانشگاهی به تحصیل مشغول بود که در آنجا دیدگاه‌های الاهیاتی و فلسفی برگرفته از آموزه‌های «نومینالیست‌ها»^۸ تدریس می‌شد. همین امر در شکل‌گیری اندیشه‌های کالون تأثیر زیادی داشت و در این میان دیدگاه‌های «دانس اسکوتس»^۹ بیش از دیگران بر وی تأثیر گذاشت.^{۱۰} موضوع اصالت اراده‌ی الهی،^{۱۱} یعنی آموزه‌ای که براساس آن شالوده و پایه اصلی صلاحیت و شایستگی در اراده‌ی الهی نهفته است نه در خیر بودن ذاتی عمل، در تعالیم اسکوتس و دیگر متفکران نواگوستینی اواخر قرون وسطی به چشم

1. McGrath, A., p.97.

۲. کریبرگ، کارل، تاریخ بزرگ جهان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، یزدان، ۱۳۷۰ش، ج ۶، ص ۲۱۳.

۳. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۸.

4. Bouwsma, W.J., "Calvin and Calvinism", *The New Encyclopedia Britannica*, London, William Benton, vol.15, p.758.

۵. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۸۴۷.

۶. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۹.

۷. کریبرگ، کارل، ج ۶، ص ۲۲۶.

8. nominalists

9. Duns Scotus

10. Dickens, A.G., p.151.

11. voluntarism

می‌خورد. استناد کالون به این آموزه و تأثیرپذیری از آن در ارائه آن دسته از دیدگاه‌هایش که مبتنی بر اصالت اراده‌الاهی بود، به خوبی آشکار است.

با نگاهی به ویژگی‌های هفتگانه تفکر کالون، همچنین می‌توان شباهت و ارتباط مستقیم آن را با مکتب نوآگوستینی نیز دریافت. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. نوعی نومیالیسم یا نام‌گرایی^۱ معرفت‌شناسانه و صریح
۲. فهم و برداشتی اراده‌گرایانه (مقابل فردگرایانه) از علت شایستگی بشر و نیز شایستگی عیسی مسیح.
۳. استفاده گسترده از آثار آگوستین، به ویژه آثار ضد پلاگیوسی او که بر آموزه فیض استوار است.

۴. دیدگاه‌های بسیار بدبینانه درباره ماهیت بشر که «هبوط»^۲ را نقطه عطفی در تاریخ نجات می‌داند.

۵. تأکید فراوان بر تقدم خداوند در فرآیند نجات بشر

۶. ارائه آموزه‌ای افراطی درباره قضا و قدر مطلق

۷. انکار نقش واسطه‌ها در فرآیند آمرزیدگی یا شایستگی، و این که هیچ مانعی وجود ندارد که خداوند اشخاص را به طور مستقیم به هم نشینی خود برگزیند، بدون اینکه نیازی به این گونه وسیله‌ها باشد.^۳

کالون در تبیین دیدگاه‌های خود درباره موضوعاتی چون رستگاری، از اندیشه‌های آگوستین، لوتر و بوسر تأثیر زیادی پذیرفت.^۴ او مکتب‌الاهیاتی خویش را بیش از همه بر نظریات آگوستین بنیان نهاد،^۵ دیدگاه‌های لوتر درباره رستگاری انسان به یاری فیض و ایمان ایمان را پذیرفت^۶ و این عقاید متناقض را که همه رویدادهای جهان معلول خواست آفریدگارانند و تقوا و پاکدامنی ملاک و نمودار برگزیدگی انسان برای رستگاری به شمار

1. terminism

2. fallenness

3. McGrath, A., p.82.

4. Dickens, A.G., p.157.

5. Armstrong, B., vol.2, p.31.

6. Dickens, A.G., p.156.

می‌رود، از بوسر به ارث برد.^۱ کالون توجه زیادی نیز به دیدگاه‌های تسوینگلی داشت و برخی از آنها را هم با اندک تغییری ارائه نمود.^۲ برای نمونه، کالون تعبیر معنوی آیین عشای ربانی از سوی تسوینگلی را در بیان نظر خود مورد توجه قرار داد و حتی آن را تأیید نمود. کالون را می‌توان اصلاح‌طلبی دانست که بیش از هر اصلاح‌طلب و اندیشمند دیگری در زمانه خود، رویکردها و آموزه‌های رایج در قرون وسطی را مورد توجه قرار داد.^۳

۱.۲. تقدیر ازلی

پیش از آنکه به دیدگاه‌های کالون در این زمینه بپردازیم، بررسی پیشینه طرح این موضوع و به ویژه آموزه «فیض» که نظریه تقدیر ازلی با آن مرتبط است، ضروری به نظر می‌رسد. تا سده ۵م آموزه فیض در تحولات الاهیاتی کلیسای یونانی زبان شرق موضوع چندان با اهمیتی تلقی نمی‌شد، اما در دهه دوم سده پنجم، مناقشه شدیدی بر سر این موضوع در گرفت. پلاگیوس^۴ راهب بریتانیایی که بر اهمیت مسئولیت اخلاقی بشر تأکید می‌کرد، با هشدار نسبت به کوتاهی کلیسای کاتولیک رومی در مسائل اخلاقی، بر ضرورت اصلاح اخلاقی دائمی شخص در پرتو شریعت عهد عتیق و الگوی مسیح تأکید می‌کرد. برخلاف وی، مخالفانش که برجسته‌ترین آنها آگوستین بود، بر این باور بودند که وی منکر هر گونه جایگاهی برای فیض الهی^۵ در آغاز و ادامه زندگی مسیح است. بنابراین، می‌توان آیین پلاگیوسی را آیین استقلال انسان دانست، زیرا وی معتقد بود که انسان‌ها می‌توانند در مسیر رستگاری خود ابتکار عمل را به دست گیرند.

در مقابل، آگوستین بر این باور بود که انسان در برداشتن گام‌های اولیه نیل به رستگاری، از اختیار لازم برخوردار نیست. انسان به رغم آزادی اراده، در بند اراده‌ای است که گناه آن را به فساد و آلودگی کشیده و او را متمایل به شر، و گریزان از خدا کرده است و تنها اراده خداست که می‌تواند این تمایل به گناه را خنثی کند. از این رو، آگوستین با

۱. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۸.

2. Dickens, A.G, p.156.

۳. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، صص ۵۴۸-۵۴۹.

4. Pelagius
5. the grace

تعریف «فیض» به عنوان موهبتی که خداوند آن را نه به سبب شایستگی فرد، بلکه به خواست خود عطا می‌کند و بشر را از بند گناه می‌رهاند، بر اهمیت فیض الاهی در امر نجات تأکید کرد. به باور آگوستین، بازخرید تنها به مثابه موهبتی الاهی امکان‌پذیر است و چیزی است که باید برای ما انجام داده شود، نه چیزی که خود بتوانیم آن را تحصیل کنیم. آگوستین تأکید می‌کرد که خاستگاه رستگاری در بیرون انسان و در خود خدا قرار دارد و این خداست که آغازگر فرآیند رستگاری است، نه مردان یا زنان؛ و از آنجایی که خدا موهبت فیض خود را تنها به برخی (نه همه) عطا می‌کند، نتیجه می‌گیریم که خداوند کسانی را که باید نجات یابند، از پیش برگزیده است. آگوستین با بسط اشاراتی به این اندیشه در عهد جدید، آموزه تقدیر را مطرح کرد. اصطلاح تقدیر^۱، به تصمیم اولیه و ازلی خداوند در نجات عده‌ای، و نه همه اشاره دارد.

در سال ۴۱۸م شورای کارتاژ در مورد دیدگاه‌های پلاگیوس و آگوستین تصمیم‌گیری کرد که به موجب آن، آیین پلاگیوس محکوم شد،^۲ و دیدگاه آگوستین مورد تأیید قرار گرفت و آموزه رسمی کلیسای کاتولیک نیز گردید.^۳

این آموزه آگوستین و کلیسای کاتولیک، ناشی از این دیدگاه مسیحیان است که خدا قادر و خیر محض است. این خداست که اراده می‌کند که نیکوکار عمل نیک انجام دهد و گناهکار گناه کند، با این استدلال که اگر خدا چنان اراده نکرده باشد، فرد عملی را انجام می‌دهد که خدا نخواست او انجام دهد و در این صورت دیگر خدا قادر نیست.^۴

اما با پایان یافتن دوره پدران نخستین کلیسا و ورود به قرون وسطی، به تدریج این دیدگاه بر کلیسای کاتولیک حاکم گشت که کلیسا تنها وسیله افاضه فیض و عنایت خداوند بر همه بندگان است و آنها از طریق شرکت در آیین‌های مقدس دینی و عمل به تشریفات کلیساست که می‌توانند به فلاح و رستگاری برسند.^۵ بر این اساس، برخی اعمال، از جمله

1. predestination

2. McGrath, A., pp.143-144.

3. Holmes, D., *A Short History of the Catholic Church*, London, Burns and Oates, 2004, p. 41.

۴. بریتون، کرین، *تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق*، ترجمه پرویز داریوش، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۸ش، ص ۴۴۸.

5. Donald, J., *Catholicism*, New York, Barrons, 1968, p.123.

فروش آموزشنامه در کلیسای کاتولیک رواج یافت که موجب بروز نارضایتی‌هایی در اروپا، به ویژه آلمان و فرانسه شد و به سان جرقه‌ای، آتش انقلاب اصلاح دینی را شعله‌ور ساخت. اصلاح‌طلبان در انتقاد از کلیسا به آموزه‌های کتاب مقدس و دیدگاه‌های برخی شخصیت‌های دوره‌های نخستین مسیحیت استناد می‌جستند که در این میان، دیدگاه‌های آگوستین بیش از دیگران مورد توجه قرار گرفت. تقدیر ازلی یکی از دیدگاه‌هایی بود که پیشتر توسط بسیاری از عالمان الهی قرون وسطی، از جمله آکویناس، برادواردین^۱ و تمامی اصلاح‌طلبان نیز مطرح شده بود، اما کالون بر اهمیت این آموزه تأکید بیشتری کرد و آن را به شکل مدون‌تری در آورد.^۲ او نیز همچون آگوستین، آکویناس و لوتر بر اصل گناهکار بودن تمام انسان‌ها اصرار می‌ورزید و رستگاری را نه در نتیجه کارهای نیک، بلکه تنها حاصل تقدیر الهی می‌دانست. در الاهیات کالون، مشیت خدا بر همه امور حاکم است و سرنوشت هر چیز و هر کس در دست خداست.^۳ اراده و حکم او نه تنها بر موجودات زنده آسمان‌ها و زمین، بلکه بر موجودات بی‌جان نیز نافذ و جاری است^۴ و مؤمن می‌بایست بکوشد تا اراده خود را در طول اراده مطلق خدا قرار دهد. نظریه تقدیر ازلی نتیجه توسعه منطقی عقاید کالون درباره اقتدار مطلق خداست.^۵ در واقع، تقدیر ازلی قلب و اساس نظام الاهیاتی کالون است.^۶ تعریف او از تقدیر ازلی، چنین است: «حکم همیشگی خداوند که به سبب آن تعیین می‌کند که چگونه می‌خواهد افراد را بیافریند؛ زیرا او همه را در شرایط یکسان نمی‌آفریند، بلکه برای عده‌ای حیات ابدی را مقدر می‌کند و برای دیگران لعنت ابدی را».^۷ تفکر کالون بیانگر نوعی دغدغه در مورد گناهکار بودن انسان و قدرت مطلقه الهی بود، دغدغه‌ای که آموزه تقدیر ازلی کامل‌ترین تبیین آن است.^۸ از دیدگاه کالون، دقت

1. Bradwardine

2. Lane, T., *A Concise History of Christian Thought*, London, T. & T. Clark, 2006, p.176.

3. Green, V.H.H., p.174.

4. Dickens, A.G, p.157.

۵. رندال، جان هرمن، *سیر تکامل عقل نوین*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش، صص ۱۶۹-۱۶۸.

6. Hesselink, J., "Calvin's Theology", *The Cambridge Companion to John Calvin*, D. K. McKim(ed), Cambridge University Press, 2004, p. 83.

7. MacGrath, A., p.140.

8. Idem, p.137.

دقت منطقی اقتضاء می‌کند که خداوند در عمل، میان «رهايي»^۱ یا «لعنت»^۲ یکی را انتخاب کند. نمی‌توان چنین تصور کرد که خداوند کاری را با سهل‌انگاری انجام دهد. او در انجام کارهای خود، مقتدر و نیرومند است^۳ و از این‌رو، با جدیت خواستار نجات کسانی است که که رهایی خواهند یافت و نیز خواستار لعنت و عذاب کسانی است که چنین نخواهند شد. بدین ترتیب، تقدیر ازلی حکم همیشگی خداوند است که به سبب آن تعیین می‌کند که چگونه می‌خواست هر فرد را خلق کند، زیرا او همگان را برای موقعیت یکسان نمی‌آفریند، بلکه برای عده‌ای زندگانی ابدی و برای عده‌ای لعنت ابدی را مقرر می‌کند.^۴ کالون در پاسخ پاسخ به این پرسش که چرا آفریدگار بدون توجه به استحقاق و شایستگی مردم سرنوشت آنان را مقدر ساخته است، به سخنان پولس استناد می‌کند: «زیرا به موسی می‌گوید، رحم خواهم فرمود بر هر که رحم کنم، و رأفت خواهم نمود بر هر که رأفت نمایم». وی سپس نتیجه می‌گیرد: «به گواهی و نص صریح کتاب مقدس، خداوند به میل ازلی و تغییرناپذیر خویش گروهی از مردم را برای رستگاری برگزیده و جمعی را به لعنت ابدی محکوم کرده است. مشیت خدا در مورد برگزیدگان از رحمت بی‌منت وی بدون توجه به استحقاق آنان، و در مورد محکومان از داوری عادلانه‌ای برمی‌خیزد که درک آن برای ما مقدور نیست». کالون هبوط آدم و حوا را نیز ناشی از مشیت خداوند می‌دانست.^۵ او معتقد بود که تنها تعداد معدودی از برگزیدگان به رستگاری می‌رسند. این برگزیدگان پیش از به دنیا آمدن برای رستگار شدن انتخاب شده‌اند و ممکن نیست مرتکب اعمالی شوند که مانع رسیدنشان به رستگاری شود، همان‌گونه که هیچ کس نمی‌تواند کاری برای رسیدن به رستگاری انجام دهد.^۶ به زعم کالون، تقدیر ازلی موجب نمی‌شود که برگزیدگان با اطمینان از رستگاریشان بتوانند هرگونه که می‌خواهند رفتار کنند، زیرا نشانه برگزیده بودن تقدیس و تطهیر فرد است^۷ و شخص زمانی می‌تواند احساس کند که در زمره این جمع است که در مقابل تمامی

1. redemption
2. damnation
3. MacGrath, A., p.138.
4. Dickens, A.G, p.157.

۵. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۷.

۶. فلاورز، سارا، *اصلاحات*، ترجمه رضا یاسایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱ش، صص ۷۵-۷۶.

7. Smart, N., vol.2, p.469.

تمامی وسوسه‌ها سربلند و با دامنی پاک بیرون آمده باشد.^۱ کالون سه نشانه برای رستگاری تعیین نمود: یکی اعتراف آشکار به ایمان، دیگری زندگی پاک و خدایی مرسوم، و سوم شرکت در آیین‌های تعمید و عشای ربانی. وی هیچگاه و در هیچ موردی موفقیت‌های دنیوی یا ثروت مادی را نشانه انتخاب برای رستگاری نشمرد.^۲ به زعم او، قوم برگزیده خدا در زمین جای گرفتند تا نقشه الهی را پیاده کنند. بنابراین، برگزیدگی، فراخوانی، و زندگی مسیحی یک تکلیف مسیحی است.^۳ مؤمنان نیز به سان سربازانی هستند که درگیر نبرد با شیطان‌اند.^۴ این مطلب بیانگر تناقض آشکاری است که آیین کالون درگیر آن است. از سویی سویی عقیده بر آن است که انسان‌ها از طریق فعل خدا رستگار می‌شوند و از سوی دیگر تأکید زیادی بر اعمال و رفتار نیک می‌شود.^۵

کالون آموزه خود درباره تقدیر ازلی را در کتاب سوم مبادی دین مسیحی (۱۵۵۹) به عنوان یکی از جنبه‌های آموزه‌های رهایی به وسیله مسیح به تفصیل بیان کرد. وی بر این باور بود که موضوع تقدیر ازلی نشأت گرفته از افکار و اندیشه‌های بشری نیست، بلکه راز وحی الهی است. تقدیر ازلی تنها نمونه‌ای دیگر از معمای کلی وجود بشر است که در این معما، عده‌ای به گونه‌ای تبیین ناپذیر برخوردار از موهبت‌های مادی و عقلانی، و عده‌ای دیگر از آن محروم‌اند. در بحث تقدیر ازلی، کالون خداوند را به گونه‌ای معرفی می‌کند که تابع هیچ نظم و قانونی نیست و تنها مطابق میل و اراده خود عمل می‌کند. نگرش او در این باره، نشان از هماهنگی و انطباق آن با گفتگوهای رایج در اواخر قرون وسطی درباره این موضوع جنجال‌برانگیز، به ویژه در مکتب راه نو و مکتب نوآگوستینی درباره ارتباط خداوند با نظام اخلاقی تثبیت شده دارد. براساس دیدگاه طرفداران اصالت اراده الهی که در اواخر قرون وسطی به تبیین دیدگاه‌هایشان پرداختند، خدا هیچگاه تابع قانون نیست، زیرا با این فرض، قانون مقدم و فوق خدا خواهد بود و بدین ترتیب، یکی از جنبه‌های آفرینش بر خداوند چیرگی خواهد یافت. خداوند فراسوی قانون است، زیرا اراده او اساس مفاهیم موجود

۱. پامر، رابرت روزول، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴۳.

۲. اشپیل، فوگل جکسن، ج ۱، ص ۶۰۳.

3. Wear, M., *Introduction to Christianity*, Belmont, Wadsworth, 1998, p.103.

4. Barraclough, G., *The Christian World*, London, Thames and Hudson, 2003, p.195.

5. Smart, N., vol.2, p.469.

درباره اخلاق است. سرانجام کالون در این باره می‌گوید: «تقدیر ازلی را باید موضوعی دانست که در متن داوری اسرارآمیز خداوند قرار دارد. ما در درک این ناتوانیم که چرا او عده‌ای را برگزیده و دیگران را مورد لعنت خود قرار داده است».^۱ به اعتقاد کالون، ناتوانی ما در فهم عدالت عمل تقدیرآمیز خداوند، ناشی از گناهکاری خود ماست.^۲ این آموزه به معنای رها کردن مردم از نگرانی درباره نجات خود، و ایجاد احساس گناهکاری در آنان و احساس عمیق نسبت به بخشندگی خدا بود. به باور او، این نظریه همچنین موجب منحرف کردن توجه آنان از نگرانی‌ها درباره لیاقت شخصی، و معطوف کردن آن به زندگی مسیحی و به نقش‌اعلای خدا در نجات مردم می‌شد.^۳ نگرش کالون به موضوع تقدیر ازلی انتقاداتی را متوجه وی ساخت و حتی موجب بدنامی جنبش اصلاحی او شد.^۴ اندیشه جبری تقدیر ازلی به جای آنکه پیروان کالون را به تسلیم و رضا وا دارد، وسیله‌ای برای تشویق و برانگیختن آنها گردید و آنها را به این باور رساند که در زندگی، امر بزرگی بر عهده آنها محول گردیده است. پیروان کالون بر این باور بودند که می‌بایست در راه حق تلاش کنند که سر منزل آن، کامیابی و پیروزی جاودان خواهد بود. این گونه اندیشه‌ها، با عزم‌ترین مردمان را به نهضت کالون جذب کرد. آنان در تمام نقاط افرادی مبارز، استوار، مقاوم و مقید به کمال محض بودند. با این همه، آنها هیچ‌گاه به قطع و یقین مطمئن نبودند که برای رستگاری برگزیده شده‌اند، بلکه معتقد بودند که سلوک اخلاقی نشانه‌ای از لطف الهی است. بعدها آنها را در انگلستان و آمریکا «پیرایشگران»^۵ نام نهادند.^۶

۲.۲. کالون و کتاب مقدس

کالون یکی از اهداف مهم جنبش اصلاح دینی را کشف مجدد و از سرگیری دوباره تبلیغ کتاب مقدس می‌دانست.^۷ از این رو، در نظام الاهیاتی کالون بر اهمیت کتاب مقدس بسیار

1. MacGrath, A., p.140.

۲. لوکاس، هنری استیون، ج ۲، ص ۸۴۸.

3. Wear, M., p.103.

4. Wilson, B., *Christianity*, London, Routledge, 1999, pp.61.

5. Puritans

۶. پامر، رابرت روزول، ص ۱۴۳.

7. Spitz, L.W., "Reformation", *Dictionary of the History of Ideas*, Ph. Wiener(ed.), New York, Charles Scribner's Sons, 1973, vol.4, p.67.

تأکید می‌شود و در واقع تمرکز و توجه ویژه به کتاب مقدس محور الاهیات او را تشکیل می‌دهد. کالون برجسته‌ترین الاهدان انجیل‌گرای دوران خود بود. او کتاب مقدس را تنها منبع قابل اعتماد برای علم انسان به خداوند می‌دانست و بر این باور بود که در خواندن و فهم آن کتاب، از یاری و حمایت روح القدس برخوردار است.^۱ کالون کتاب مقدس را بیانگر اراده خدا و قوانین الاهی برای همه جنبه‌های حیات انسانی می‌دانست و با این پیش‌زمینه فکری، به طرح دیدگاه‌های خود می‌پرداخت. او بر این باور بود که هر چیزی که برای نجات لازم باشد، در کتاب مقدس به روشنی آمده است.^۲ کالون اعتقاد داشت که با توجه به ناتوانی بشر است که خداوند خویشتن را در آن کتاب بر ما آشکار ساخته است و بارزترین دلیل بر آنکه کتاب مقدس سخن خداست، تأثیر بی‌مانند آن کتاب در ذهن و اندیشه مردم است. او می‌گفت: «آثار دموستن، سبسون، افلاطون، ارسطو، یا کسان دیگری را که در مقام آنان قرار دارند، مطالعه کنید. می‌دانم که مطالعه آثار آنان شما را مجذوب و شادمان خواهد ساخت، ولی هر گاه پس از خواندن آنها به کتاب مقدس رو می‌آورید، چه بخواهید و چه نخواهید، این کتاب بر شما چنان تأثیر خواهد گذاشت و چنان اثر عمیقی در اندیشه شما خواهد نهاد که در برابر اثر نافذ آن، سخن فرضیه‌با فان و فیلسوفان، زیبایی و لطافت خویش را از دست خواهد داد. در کتاب مقدس به چیزی برخورد خواهید که برترین مکشوفات و دلکش‌ترین آثار هنر بشر در قیاس با آن ناچیزند. بنابراین، باید سخن خدا را نه تنها در دینداری، بلکه در تاریخ، سیاست و همه شئون زندگی ملاک و مرجع نهایی تشخیص و قضاوت خویش قرار دهیم».^۳

کالون بر نیاز بندگان به اطاعت از اراده خداوند با توجه به آنچه که در کتاب مقدس ظهور یافته بود، اصرار می‌ورزید. او فرقی میان کتب عهد قدیم و جدید قائل نبود و چنین باور داشت که کتاب مقدس، مرجعیت و اعتبارش را از خودش می‌گیرد.^۴ کالون اعتبار و حجیت آن کتاب را از ناحیه روح القدس نیز می‌دانست. به زعم وی، روح القدس برای

1. Dickens, A.G., pp.155-156.
2. Wear, M., p.103.

۳. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۶.

۴. بوش، ریچارد، جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروزی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش، ص ۷۶۸.

این‌که خوانندگان کتاب مقدس به نحو شایسته‌ای آن را تفسیر کنند، به آنان بصیرت می‌بخشد.^۱ کالون می‌گفت: «همان طور که خدا به تنهایی در کلامش گواه کافی خویشتن است، کلام نیز هرگز در دل انسان‌ها اعتبار نخواهد یافت، مگر آنکه با گواهی درونی روح القدس تأیید شود، زیرا کتاب مقدس به سبب عظمت درونی خود حس تکریم را در ما برمی‌انگیزد، اما هرگز اثری جدی در ما نمی‌گذارد، مگر آنکه در دل‌هایمان به تأیید روح القدس رسیده باشد».^۲ افزون بر این، وی اعتبار و حقانیت کتاب مقدس را نه در کلمات و متن آن، بلکه در شخص مسیح، یعنی محل نزول و دریافت کننده آن هم می‌دانست.^۳

کالون بر خواندن و تحقیق و تتبع در کتاب مقدس تأکید می‌کرد و چنین می‌پنداشت که اگر چنین تحقیقی با تقوی و خدا ترسی همراه باشد، به یقین پاره‌ای از فرازهای آن کتاب که در ابتدای مطالعه مبهم به نظر می‌رسند، قابل درک خواهند شد. نزد وی، اعتبار و سندیت کتاب مقدس آن چنان روشن و غیرقابل بحث بود که می‌گفت مطلبی را که آن کتاب از مردم نخواست است، کلیسا نمی‌تواند از ایشان مطالبه کند. در دیدگاه او، برخی از مراسم و آداب دینی را می‌توان مجاز شمرد، اما مطالبه آنها از مردم که به معنای واجب شمردن آن اعمال و آیین‌هاست، جز از طریق متن کتاب مقدس ممکن نیست.^۴ کالون معتقد بود که تنها عقاید و اعمالی قابل قبول است که برگرفته از کتاب مقدس باشد. وی عقل و استدلال بشری را در شناخت خداوند و درک حقایق مربوط به او ناتوان می‌دانست و چنین نتیجه می‌گرفت که معرفت و شناخت ما نسبت به خدا، تنها به واسطه خود او، و در نتیجه مراجعه به کتاب مقدس حاصل می‌شود.^۵

کالون همچون دیگر اصلاح‌طلبان، بر اهمیت اصل «تنها کتاب مقدس» اصرار می‌ورزید و بر این نکته تأکید می‌نمود که مرجعیت پاپ‌ها، شوراها و متألهان، از مرجعیت کتاب مقدس ریشه گرفته است. بنابراین، آن کتاب بدان علت که کتاب خداست، باید مقدم

1. MacEnhill, P., *Fifty Key Christian Thinkers*, London, Routledge, 2004, p.96.

۲. براون، رابرت مک آفی، روح آیین پروتستان، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱ش، صص ۱۶۵-۱۶۶.

۳. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش، ص ۳۵.

۴. بوش، ریچارد، صص ۷۶۸-۷۶۹.

5. Smart, N., vol.2, p.469.

بر آباء و شوراها بشمار آید. وی در این باره چنین می‌گفت: «ما معتقدیم که تنها کلام خدا فراتر از قلمرو داوری ما قرار دارد و نیز این که پدران و شوراها تا آن جا دارای حجیت و اعتباراند که با ضابطه و معیار کلام خداوند سازگار باشند. ولی با این حال، ما برای شوراها و پدران منزلت و شرافتی بیش از اندازه قائل می‌شویم، در حالی که شایسته است آنان را در مرتبه‌ای پایین‌تر از مسیح بدانیم».^۱ از دیدگاه کالون ضروری است که نهادها و ضوابط کلیسا و جامعه هر دو بر کتاب مقدس استوار باشند: «من تنها آن دسته از نهادهای بشری را می‌پذیرم که بر پایه حجیت و مرجعیت خداوند استوار و از کتاب مقدس برگرفته شده باشد».^۲ وی به عنوان یک نویسنده، سنت عقلانی انسان‌گرایان را برای شرح و تفسیر آن کتاب به کار برد و از این سنت در اثر خویش با عنوان *نهادهای دین مسیحی* جهت بیان دیدگاه‌های الهیاتی‌اش که موضوعات جدید را نیز شامل می‌شد، بهره گرفت.^۳

وی هم‌چنین بر برخی از بخش‌های کتاب‌های مقدس تفاسیری نوشت که شامل اسفار خمسه، یوشع، مزامیر، تمام انبیاء به جز باب‌های ۲۱-۴۸ حزقیال و تفسیر کل عهد جدید به جز رساله دوم و سوم یوحنا و مکاشفه می‌شود. تفاسیر کالون بیشتر براساس موعظه‌ها یا سخنرانی‌های او شکل گرفته‌اند. این تفاسیر جزء معدود کتاب‌های تفسیری به شمار می‌روند که پیش از قرن گذشته نوشته شده‌اند، اما همچنان برای درک صحیح متون کتاب مقدس از ارزش زیادی برخوردارند.^۴ در این زمینه می‌توان کتاب *مبادی کالون* و به ویژه نسخه معروف ۱۵۵۹ آن را معروف‌ترین راهنمای کتاب مقدس دانست. وی این کتاب را با تأثیرپذیری از کاتسیسم لوتر به نگارش در آورد. در مقدمه نسخه فرانسوی مبادی که در سال ۱۵۴۱ منتشر شد، وی این کتاب را همانند کلید و مدخلی معرفی کرد که این امکان را برای فرزندان خدا فراهم می‌کند که به درستی کتاب مقدس را درک کنند. استفاده او از کتاب مقدس در کتاب *مبادی چنان‌گیرا* و اثرگذار است که بسیاری را به این تصور واداشته است که این کتاب کلید تفسیر صحیح کتاب مقدس است.^۵ کالون در تفسیر و استفاده از

1. McGrath, A., p.145.

2. Green, V.H.H., pp.173-174.

۳. والز، اندروینلی، مسیحیت در جهان/امروز، ترجمه احمدرضا مفتاح و حمید بخشنده، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش، ص ۵۰.

4. Lane, T., p.178.

5. McGrath, A., p.245.

کتاب مقدس، معانی تحت‌اللفظی آن را مورد توجه قرار می‌داد و با هرگونه تفسیر مجازی و استعاره مخالف بود.^۱ وی تنها نویسنده‌ای است که بدون هیچ گونه تردیدی می‌توان او را همزمان، در زمره بهترین مفسران و الهی‌دانان جای داد.^۲

۳.۲. کالون و آموزه کلیسا

کالون در نظر داشت که کلیسای بزرگ جهانی بنیاد گذارد و آن را جایگزین کلیسای کاتولیک کند.^۳ از این‌رو، وی بیش از دیگر اصلاح‌طلبان به آموزه کلیسا توجه نشان داد. وی در ویرایش دوم کتاب مبادی دین مسیحی به بحث مهمی درباره نظریه کلیسا پرداخت.^۴ کالون بر این باور بود که کلیسای حقیقی مجمع نامرئی برگزیدگان خدا، اعم از مردگان و زندگان و آنانی است که هنوز چشم به جهان نگشوده‌اند. او می‌گفت: «کلیسای مرئی متشکل از کسانی است که با اعتراف به ایمان خویش، با زندگی پاک شایان تقلیدشان و با شرکت در آیین‌های مقدس تعمید و عشاء ربانی^۵ اعتقاد خویش را به خدا و مسیح ما ابراز می‌دارند».^۶ از نگاه کالون، تبلیغ کلام خدا و اجرای شعائر دینی دو نشانه کلیسای مسیحی است و کلیساها موظف به اجرای آنها هستند.^۷ وی دیدگاه خود را براساس این متن ابراز داشت: «هر جا که کلام خدا به درستی موعظه شود، بدان گوش فرا داده شود و آیین‌های دینی مطابق سنت مسیح اجرا گردد، دیگر هیچ تردیدی نخواهد بود که در آن جا کلیسای خدا وجود دارد، زیرا این وعده او تخلف‌ناپذیر است که هر جا دو یا سه نفر به نام من جمع شده باشند، من در میان آنها هستم (متی، ۲۰: ۱۸)». کالون بر این باور بود که دستورالعمل‌هایی خاص و مبتنی بر کتاب مقدس درباره نظام صحیح کشیشی وجود دارد. او

۱. سولومون، رابرت و هیگینز، کترین، تاریخ فلسفه در جهان، ترجمه منوچهر شادان، تهران، بهجت، ۱۳۸۷ش، ص ۲۸۵.

2. Lane, T., p.178.

۳. سولومون، رابرت و هیگینز، کترین، ص ۲۸۶.

4. McGrath, A., p.208.

۵. کالون به اصالت دیگر آیین‌های مقدس باور نداشت.

۶. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۸.

۷. اشپیل، فوگل جکسن، ج ۱، ص ۶۰۳.

پایه‌گذار مناصب چهارگانه کشیش، استاد^۱ (یا معلم)، ارشد^۲ و شماس^۳ بود و افزون بر این، قائل شدن به تفاوت میان کلیسای مشهود و غیرمشهود که پیشتر بدان اشاره شد، نیز منسوب به اوست. به باور او، الگوی مشخصی از اداره کلیسا در کتاب مقدس بیان شده است و کلام خدا شکل خاصی از دولت کلیسایی را تعیین می‌کند.^۴ وی کلیسای اصلاح شده را نماینده و سخنگوی خدا می‌دانست و بر این باور بود که در خارج از این کلیسا، رستگاری نیست.^۵ به زعم کالون، کلیسا می‌بایست حکومت آسمانی خداوند را بر جامعه زمینی که شامل برگزیدگان و گناهکاران می‌شود، برقرار نماید.^۶

با این پیش‌زمینه فکری بود که او قدرت سیاسی را به کلیسا بازگرداند و جامعه‌ای را تحت حاکمیت کلیسا سازماندهی کرد. از دیدگاه کالون، تعریف کلیسا به «مقام کشیشی همه مؤمنان» کافی نبود، زیرا او بر این اعتقاد بود که کلیسا همان‌گونه که نیاز به همدلی و برادری دارد، به قدرت نیز نیازمند است.^۷ وی برخلاف آناپتیست‌ها، چنین باور داشت که کلیسا و دولت با این نیت به وجود آمده‌اند که همکاری کنند، تا دولت اصول اخلاقی‌ای را به اجرا بگذارد که کلیسا آنها را تدوین کرده است.^۸

وی به منظور تبیین دیدگاه‌های خود درباره آموزه کلیسا، افزون بر مبادی، کتاب فرمان‌های کلیسایی^۹ را نیز نوشت که در شکل بخشیدن و هویت دادن به کلیسای ژنو تأثیرگذار بود.^{۱۰}

کالون همانند دیگر اصلاح‌طلبان از باورهای خرافی، به ویژه از جلوه‌های زیورپرستانه مذهب کاتولیک انتقاد می‌کرد و خواهان ساده کردن آیین‌های کلیسایی و از بین بردن تجمل و زرق و برق موجود در کلیسا بود. وی پیرایه‌های موجود در کلیسا و کاربرد آنها در مراسم

1. master
2. elder
3. deacon
4. McGrath, A., p.209.

۵. دورانت، ویلیام جیمز، ج ۶، ص ۵۴۸.

۶. بوش، ریچارد، ص ۷۷۰.

7. Wear, M., p.102.

۸. فلاورز، سارا، ص ۷۷.

9. *Ecclesiastical Ordinances*

10. McGrath, A., p.210.

و آیین‌های دینی را جلوه‌ای از بت‌پرستی می‌دانست و آن را محکوم می‌کرد. یکی از انتقادهای مهم کالون به سازمان سلسله مراتبی کلیسا بازمی‌گشت.^۱ او سازمان سلسله مراتب مراتب کلیسایی و چیرگی مهار ناشدنی پاپ‌ها و اسقف‌ها بر این سازمان را انکار می‌کرد^۲ و خواستار نزدیک کردن شخصیت‌ها و کارگزاران دینی به مردم بود.^۳ بر این اساس، طرفداران کالون در تشکیلات دینی‌شان مقام اسقفی را حذف کردند و به جای آن، کلیسا را با هیأتی منتخب از کشیشان و افراد غیر روحانی اداره نمودند و این چنین، دست دیندارانی را که به طبقه روحانیت متعلق نبودند، در اداره امور دین باز کردند و دیانت را از انحصار کشیشان بیرون آوردند و امور کلیسا را تعمیم بخشیدند. آنها جدایی امور روحانی از حکومتی را نمی‌پسندیدند، زیرا خواستار مسیحی کردن تمام جامعه بودند.^۴ این گونه دیدگاه‌ها و اقدامات کالون و پیروانش با مخالفت کلیسای کاتولیک روبرو گشت، مخالفتی که کناره‌گیری پیروان کلیسای انجیلی از کلیسای کاتولیک را توجیه‌پذیر نمود.^۵

۴.۲. آیین‌های مقدس

کالون آیین‌های مقدس را دارای جنبه‌ای هویت‌بخش می‌دانست و معتقد بود که کلیسای مسیحی بدون آیین‌های مقدس وجود نخواهد داشت. وی آیین‌های مقدس را این گونه تعریف می‌کرد: «نمادی بیرونی که خداوند به وسیله آن بر دل‌های ما وعده‌های حسن نیت^۶ نیت خود را مهر می‌کند، تا بدان وسیله ضعف ایمان ما را جبران کند». کالون آیین‌های مقدس را مساعدت لطف‌آمیز خداوند می‌شمرد و بر این باور بود که خداوند با آگاهی از ضعف ایمان ما، خود را با محدودیت‌هایمان سازگاری داده است. او در این باره چنین می‌گفت: «خداوند مهربان ما به سبب لطف بی‌پایانش، خود را با ظرفیت ما تطبیق می‌دهد و

۱. رجیبی، مهدی، تاریخ دموکراسی در اروپا، تهران، دنیای نو، ۱۳۸۶ش، ص ۵۴۳.

۲. دیاگونوف، ایگور میخائیلوویچ، گذرگاه‌های تاریخ، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ش، ص ۲۴۵.

۳. رجیبی، مهدی، ص ۵۴۳.

۴. پامر، رابرت روزول، صص ۱۴۳-۱۴۴.

5. McGrath, A., p.217.

6. good will

از آنجا که آفریده‌هایی هستیم که به زمین دلبستگی داریم و به اشیاء جسمانی دل خوش کرده‌ایم و دربارهٔ معنویت نمی‌اندیشیم یا حتی در ذهن ما چنین مسائلی راه نمی‌یابد، فروتنانه خود را با ما هم‌تراز کرده تا با همان اشیاء زمینی ما را به سوی خود راهنمایی کند و آینه‌ای از موهبت‌های روحانی و معنوی را در جسم و پیش روی ما قرار دهد.^۱

کالون در این زمینه نیز منتقد آموزه‌های کلیسای کاتولیک، و هم نظر با دیگر اصلاح‌طلبان بود. او به سان لوتر، به جای تأکید بر نیکوکاری و ادای اعمال مذهبی، اساس دینداری را ایمان به خداوند می‌دانست که می‌بایست بر دلها بتابد.^۲ وی معتقد بود که از آنجایی که شریعت برای کسی عدالت به همراه نمی‌آورد، لازم است خود را از شریعت رها کنیم و هیچگونه وابستگی به اعمال نداشته باشیم. به زعم وی، آنانی که تحت سلطهٔ شریعت‌اند، از وحشت دائمی در عذاب‌اند و بنابراین، هرگز با نشاط و چالاکی به خدا خدمت نمی‌کنند، مگر اینکه پیش از این، آزادی (از شریعت) را به دست آورده باشند. کالون می‌گفت: «آنانی که تحت یوغ شریعت‌اند، مانند غلامانی هستند که موظف به انجام وظایفی روزانه‌اند که اربابشان برای آنان معین کرده است. آنان فکر می‌کنند هیچ کاری انجام نداده‌اند، و بر خود جایز نمی‌دانند که بدون اتمام اعمالی که برای آنان تعیین شده، به حضور ارباب خود بروند». او چنین باور داشت که انسان در پیشگاه خدا هیچ وظیفه‌ای در رابطه با امور ظاهری (که فی‌نفسه اموری بی‌اثرند) ندارد، بلکه می‌تواند گاهی با بی‌علاقگی آنها را به کار برد و در مواقع دیگر آنها را رها کند. به باور کالون، وجدان مؤمنانی که آزادی و رهایی مذکور را به دست آورده‌اند، به لطف مسیح از همهٔ وظایف ضروری در قبال آن چیزهایی که خداوند به آزادی از آنها راضی بوده، رها شده‌اند. بر این اساس بود که کالون نتیجه گرفت که مؤمنان از تمام قدرت‌های انسانی آزادند.^۳

1. McGrath, A., pp.190-191.

2. Mac Enhill, P., p.98.

۳. دانستن، جی‌لسلی، *آیین پروتستان*، ترجمهٔ عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی، ۱۳۸۱ش، صص ۱۱۳-۱۱۴.

کالون با هر نوع تزئینات و تشریفات اضافی مخالف بود.^۱ از این رو، آداب عبادت در آیین وی ظاهری بسیار ساده داشت.^۲ او با تأکید بر اینکه هر آیین مقدسی باید بر پایه وعده و دستور خداوند استوار باشد، به نفی پنج آیین از آیین‌های هفت‌گانه‌ای که کلیسای کاتولیک از دیرباز بدان پایبند بود، پرداخت و تنها دو آیین تعمید و عشاء ربانی را پذیرفت.^۳ کالون شمایل‌ها و موسیقی کلیسایی را کنار گذاشت،^۴ ولی همچون لوتر سرود دسته‌جمعی را اثربخش می‌دانست، با این تفاوت که خواندن مزامیر را بر خواندن سرود ترجیح می‌داد.^۵

وی رساله‌ای کوتاه در مورد «عشاء ربانی»^۶ نگاشت که در آن دیدگاه خود را که حد وسط تعالیم لوتر و تسوینگلی بود، بیان داشت.^۷ وی همچون لوتر به حضور واقعی مسیح در این آیین باور داشت، ولی حضور جسمانی او در آیین عشاء ربانی را نمی‌پذیرفت و تنها به حضور معنوی و روحانی مسیح در این آیین اعتقاد داشت.^۸ برداشت کالون از تعمید را نیز می‌توان ترکیبی از عناصر مورد تأیید تسوینگلی و لوتر دانست. کالون با تأیید دیدگاه تسوینگلی چنین دلیل می‌آورد که تعمید جلوۀ آشکار وفاداری به خداست: «تعمید نشانه‌ای از آغازی است که ما به کمک آن در جامعه کلیسا پذیرفته شده‌ایم». اما کالون تأکید بر غسل تعمید به عنوان نشانه‌ای از عفو گناهان و زندگی جدید در عیسی مسیح را که متعلق به لوتر بود، بدان افزود: «تعمید همچنین موجب مزیت و فایده دیگری می‌شود، زیرا نشان می‌دهد که ما در مسیح به مرگ محکوم شده‌ایم و نیز نمایانگر زندگی جدید ما در اوست... از این

۱. دان، راس. *نی، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان*، ترجمۀ عبدالحسین آذرنگ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲ش، ص ۷۹.

2. McGrath, A., p.193.

۳. گروهی از دانشمندان جهان به سرپرستی یونسکو، تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ترجمۀ ناصح ناطق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵ش، ج ۴، ص ۴۸۷.

4. Tony Lane, *A Concise of Christian Thought*, p.175.

۵. گروهی از دانشمندان...، ص ۴۸۷.

6. The Lord's Supper

۷. اشپیل، فوگل جکسن، ج ۱، ص ۶۰۳.

8. Mac Enhill, P., p.100.

رو، بخشوده شدن رایگان گناهان و برخوردار شدن از صفت عدالت و سپس فیض روح القدس به منظور اصلاح ما برای زندگی نو در آغاز وعده داده شده است». وی تعمیم کودکان را مشروع و پذیرفتنی می‌دانست و بر این باور بود که این آیین، سنتی اصیل در کلیسای نخستین بوده است، نه تحولی که در اواخر قرون وسطی به ظهور رسیده باشد.^۱

۵.۲. حکومت

کالون قائل به حاکمیت مطلق خداوند بود^۲ و می‌گفت: «اگر تنها خدا حاکم است پس هیچ بشری نمی‌تواند مدعی قدرت مطلق شود».^۳ در جامعه مسیحی نمونه‌ای که وی در ذهن داشت، حکومتی خدایی برقرار بود که در آنجا با پیروی از فرمان خداوند حکومت می‌شد، حکومتی الهی که بر پایه نظام انتخاب نمایندگان استوار بود و اختیاراتش بر مبنای دستورهای کلیسایی تنظیم می‌شد.^۴ وی به همزیستی میان مقام روحانی و مقامات حکومتی باور داشت و بر این اساس، به پیروان خود توصیه می‌کرد که از فرمان دولت، حتی اگر مستبدانه هم باشد، پیروی کنند، مگر آنکه اطاعت از فرمان دولت متضمن سرپیچی از فرمان خداوند باشد. در این صورت می‌بایست از حکم انجیل، یعنی از خداوند پیروی شود.^۵ با این دیدگاه، هر حکومت غیردینی به نماینده قدرت خداوند تبدیل می‌شود. کالون می‌گفت: «مقصود از تشکیل دولت آن است که به پرستش همگانی خدا کمک کند، اصول شریعت را مراعات نماید، زندگی مردم را طوری سامان بدهد که متناسب با جامعه بشری باشد، عادات و اخلاق را تابع آیین دادگستری و میهن‌دوستی سازد، در میان مردم دوستی و هم‌اندیشی برقرار نماید و آسایش، آرامش و صلح را رواج دهد».^۶ بدین ترتیب، مفهوم حکومت الهی در الاهیات کلیسای اصلاحی شکل گرفت که به موجب آن قانون الهی

1. McGrath, A., p.193.

2. Bainton, R., *The Age of the Reformation*, Princeton, Van Nostrand Company, 1965, p.48.

۳. اشپیل، فوگل جکسن، ج ۱، ص ۶۰۳.

۴. گروهی از دانشمندان . . . ج ۴، ص ۴۸۸.

۵. اشپیل، فوگل جکسن، ج ۱، ص ۶۰۳.

۶. گروهی از دانشمندان . . . ج ۴، ص ۴۸۸.

باید همه زمینه‌های زندگی انسان (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) را فرا بگیرد.^۱ پیروان کالون با استناد به این گونه نظرات او در پی آن بودند تا جوامعی را که در آن زندگی می‌کردند، به جامعه‌ای دینی تبدیل کنند که در آن تمامی مردم از زندگی منزله، پاک و منضبطی برخوردار باشند و حاکمان نیز از سنت مسیح پیروی کنند.^۲

نتیجه‌گیری

۱. تقدیر ازلی، اساس نظام الاهیاتی کالون است. او رستگاری را نتیجه کارهای نیک نمی‌پنداشت، بلکه تنها حاصل تقدیر الاهی می‌دانست. به زعم کالون، مشیت خدا حاکم بر همه امور است و سرنوشت هر چیز و هرکس در دست خداست.
۲. در نظام الاهیاتی کالون بر اهمیت کتاب مقدس تأکید فراوان می‌شود و در واقع، تمرکز و توجه ویژه به کتاب مقدس در الاهیات او آشکارا به چشم می‌آید، زیرا وی کتاب مقدس را بیانگر اراده خدا و قوانین الاهی برای همه جنبه‌های حیات انسانی می‌دانست. کالون نیز هم‌چون دیگر اصلاح‌طلبان بر اهمیت اصل «تنها کتاب مقدس» اصرار می‌ورزید.
۳. به باور کالون، الگوی مشخصی از چگونگی اداره کلیسا در کتاب مقدس بیان شده و کلام خدا شکل خاصی از دولت کلیسایی را تعیین کرده است. او با این گونه پیش‌زمینه فکری بود که سلسله مراتب کلیسایی را نفی کرد و درصدد بر آمد تا کلیسایی جهانی بنیاد گذارد و آن را جایگزین کلیسای کاتولیک کند.
۴. کالون منتقد آموزه‌های کلیسای کاتولیک در زمینه آیین‌های مقدس بود. از آنجا که به باور وی تنها عقاید و اعمالی قابل پذیرش است که برگرفته از کتاب مقدس و به بیان دیگر، مبتنی بر دستورات خداوند باشد، به نفی پنج آیین از آیین‌های هفت‌گانه کلیسای کاتولیک پرداخت و تنها دو آیین تعمید و عشای ربانی را پذیرفت و آنها را منطبق با آموزه‌های کتاب مقدس دانست. او به سان دیگر اصلاح‌طلبان، به جای تأکید بر نیکوکاری و ادای اعمال دینی، اساس دینداری را ایمان به خداوند می‌دانست.

۱. مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ش،

ص ۳۳۸.

۲. پامر، رابرت روزول، ص ۱۴۳.

۵. کالون حاکمیت مطلق را تنها به خداوند نسبت می‌داد و چنین باور داشت که هیچ انسانی نباید مدعی برخورداری از قدرت مطلق باشد. از این رو، چیرگی مهار ناشدنی پاپ‌ها و اسقف‌ها را بر سازمان کلیسا مورد انتقاد قرار می‌داد. او قائل به برقراری حکومت خدایی در جامعه مسیحی به منظور عملی ساختن فرمان‌های خداوند بود.

منابع

- اشپیل، فوگل جکسن، *تمدن مغرب زمین*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
- باربور، ایان، *علم و دین*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.
- براون، رابرت مک آفی، *روح آیین پروتستان*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱ش.
- بریتون، کرین، *تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق*، ترجمه پرویز داریوش، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۸ش.
- بوش، ریچارد، *جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروزی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- پامر، رابرت روزول، *تاریخ جهان نو*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.
- دان، راس‌ئی، *تاریخ تمدن و فرهنگ جهان*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲ش.
- دانستن، جی. لسلی، *آیین پروتستان*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ش.
- دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن (اصلاح دینی)*، ترجمه فریدون بدره‌ای و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۶، ۱۳۷۳ش.
- دیاگونوف، ایگور میخائیلویچ، *گذرگاه‌های تاریخ*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ش.
- رجبی، مهدی، *تاریخ دموکراسی در اروپا*، تهران، دنیای نو، ۱۳۸۶ش.
- رندال، جان هرمن، *سیر تکامل عقل نوین*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
- سولومون، رابرت و هیگینز، کاترین، *تاریخ فلسفه در جهان*، ترجمه منوچهر شادان، تهران، بهجت، ۱۳۸۷ش.
- فلاورز، سارا، *اصلاحات*، ترجمه رضا یاسایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱ش.
- کریبرگ، کارل، *تاریخ بزرگ جهان*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، یزدان، ج ۶، ۱۳۷۰ش.
- گروهی از دانشمندان جهان به سرپرستی یونسکو، *تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر*، ترجمه ناصح ناطق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵ش.
- لوکاس، هنری، *تاریخ تمدن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن، ۱۳۸۲ش.
- مولند، اینار، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ش.
- والز، اندرو فیلی، *مسیحیت در جهان امروز*، ترجمه احمدرضا مفتاح و حمید بخشنده، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش.

- Armstrong, B.G., "Calvin, John", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1987, vol. 2.
- Bainton, R., *The Age of the Reformation*, Princeton, Van Nostrand Company, 1965.
- Barraclough, G., *The Christian World*, London, Thames and Hudson, 2003.
- Bouwsma, W.J., "Calvin and Calvinism", *The New Encyclopedia Britannica*, London, William Benton, vol.15.
- Bergin, Th.G. & Speake, J., *Encyclopedia of the Renaissance and Reformation*, New York, Facts on File, 2004.
- Cunningham, L.S., *An Introduction to Catholicism*, Cambridge, Cambridge University Press, 2009.
- Dickens, A.G., *Reformation and Society in Sixteenth– Century Europe*, London, Thames and Hudson, 1966.
- Donald, J., *Catholicism*, New York, Barrons, 1968.
- Green, V.H.H., *Renaissance and Reformation, A Survey of European History between 1450 and 1660*, London, Edward Arnold, 1954.
- Hart, M., *A Ranking of the Most Influential Persons in History*, New York, Carol, 1989.
- Hesselink, J., "Calvin's Theology", *The Cambridge Companion to John Calvin*, D. K. McKim(ed.), Cambridge University Press, 2004.
- Holmes, D., *A Short History of the Catholic Church*, London, Burns and Oates, 2004.
- Kaufman, Th., "Calvin, John", *Encyclopedia of Christianity*, Ervin Fahlbusch et al. (eds), Michigan, W. B Erdmans, 2005.
- Lane, T., *A Concise History of Christian Thought*, London, T. & T. Clark, 2006.
- MacEnhill, P., *Fifty Key Christian Thinkers*, London, Routledge, 2004.
- McGrath, A., *Reformation Thought*, Oxford, Blackwell, 1999.
- Smart, N., *The Religious Experience of Mankind*, New York, Charles Scribners' Sons, 1984.
- Spitz, L. W., "Reformation", *Dictionary of the History of Ideas*, Ph. Wiener(ed.), New York, Charles Scribner's Sons, 1973.
- Wear, M., *Introduction to Christianity*, Belmont, Wadsworth, 1998.
- Wilson, B., *Christianity*, London, Routledge, 1999.